

آیت‌الله خامنه‌ای و تبیین فقه سیاسی

فقه سیاسی در شیعه، سابقه‌اش از اول تدوین فقه است. یعنی حتی قبل از آنکه فقه استدلالی در قرن سوم و چهارم تدوین بشود - در عهد روایات - فقه سیاسی در مجموعه‌ی فقه شیعه حضور روشن و واضحی دارد.



فقه سیاسی در شیعه، سابقه‌اش از اول تدوین فقه است. یعنی حتی قبل از آنکه فقه استدلالی در قرن سوم و چهارم تدوین بشود - در عهد روایات - فقه سیاسی در مجموعه‌ی فقه شیعه حضور روشن و واضحی دارد.

فقه به معنای دانش استنباط و فهم مقررات عملی اسلامی از منابع چهارگانه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) است. فقه سیاسی اشاره به جهت گیری و حوزه فقه یعنی سیاست دارد. بدین معنا که در این مورد فقه تلاش می کند تا احکام و دستورات خداوند را در زمینه سیاست از منابع چهارگانه استخراج کند. با این تعریف تلاش می شود تا به بررسی اندیشه مقام معظم رهبری در زمینه فقه سیاسی بپردازیم.

سابقه فقه سیاسی

مقام معظم رهبری در بیان تاریخ فقه سیاسی به «فقه استدلالی» در کنار «فقه سیاسی» اشاره می کنند. فقه استدلالی گونه ای از ارائه فقه است که فقیه احکام فقهی و نظریات مختلف مطرح در باره یک مسئله را همراه با استدلال و مستندات و نیز اشکالاتی که بر هر نظریه وارد است، بیان و از نظریه برگزیده خود دفاع می کند. به عبارتی، فقهی است که استدلال مرکزیت در آن دارد. از نظر ایشان سابقه فقه سیاسی بیشتر از فقه استدلالی است.

«فقه سیاسی در شیعه، سابقه‌اش از اول تدوین فقه است. یعنی حتی قبل از آنکه فقه استدلالی در قرن سوم و چهارم تدوین بشود - در عهد روایات - فقه سیاسی در مجموعه‌ی فقه شیعه حضور روشن و واضحی دارد؛ که نمونه‌اش را شما در روایات می‌بینید. همین روایت «تحف العقول» که انواع معاملات را چهار قسم می‌کند، یک قسمش سیاسیات است - امّا السّیاسات - که خب، در آنجا مطالبی را بیان می‌کند. در این روایت و روایات فراوان دیگر، شاخصها ذکر میشود. این روایت معروف صفوان جمال: «کلّ شیء منک حسن جمیل الا اکرائک الجمال من هذا الرّجل» و دیگر روایاتی که فراوان است، از این قبیل است. بعد که نوبت به عصر تدوین فقه استدلالی میرسد - دوران شیخ مفید و بعد از ایشان - باز انسان مشاهده میکند که فقه سیاسی در آنجا وجود دارد... لیکنیک چیز جدید است و آن، نظام‌سازی بر اساس این فقه است؛ که این را امام بزرگوار ما انجام داد. « (بیانات مقام معظم له در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1390/06/17)

نگاه مقام معظم رهبری به مساله فقه سیاسی

1. نظام سازی سیاسی به مثابه امری جاری و نه دفعی

نظام های سیاسی نوعی از سیستم هاند که د به لحاظ فرهنگی، ارزشی، اقتصادی و اجتماعی ر محیطی پویا قرار دارند و به همین دلیل نمی توانند راکد و ایستا باشند. به عبارتی، نظام های سیاسی باید با توجه شرایط متغییر اجتماعی خود را تکمیل و اصلاح کنند. البته اصلاح به معنای نفی هر چه در گذشته رخ داده یا اصول و بنیادهای نظام نیست چرا که در اینصورت نقض غرض صورت گرفته است. یعنی به جای آنکه نظام سیاسی تکمیل و اصلاح شود جای خود را به سیستم سیاسی دیگری می دهد.

از این جهت، «نظام‌سازی... امر دفعی و یکباره نیست؛ معنایش این نیست که ما یک نظامی را بر اساس فقه کشف کردیم و استدلال کردیم و این را گذاشتیم وسط، و این تمام شد؛... نظام‌سازیک امر جاری است؛ روزه‌روز بایستی تکمیل شود، تتمیم شود. ممکن است یک جائی اشتباه کرده باشیم اما مهم این است که ما بر اساس این اشتباه، خودمان را تصحیح کنیم ... عنایش این نیست که هرچه را ساختیم و بنا کردیم، خراب کنیم؛ قانون اساسی‌مان را خراب کنیم، نظام حکومتی و دولتی‌مان را ضایع کنیم؛ نه، آنچه را که ساختیم، حفظ کنیم، نواقصش را برطرف کنیم، آن را تکمیل کنیم.» (بیانات مقام معظم له در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1390/06/17)

2. فرایند تولید نظریه در فقه سیاسی

لازمه تولید اندیشه های نو آزادی لازم برای ارائه نظریات نو و مناسب است. بدین جهت، رهبر معظم انقلاب همانگونه که برای دانشگاهیان کرسی های آزاداندیشی را مطرح می کنند برای حوزه ها هم «کرسی های بحث آزاد فقهی» را مطرح می سازند. در این کرسی های باید در مورد فقه حکومتی و مسائل جدید به بحث و نظر بپردازند. همچنین در قم باید «درسهای خارج استدلالی قوی ای مخصوص فقه حکومتی» وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی مورد بحث قرار گیرد. فرآورده آنها در دانشگاه ها و مجامع علمی بحث شود تا به نتیجه ی بهتر و مناسب تری دست یافت.

«البته من همین جا عرض بکنم که نیاز ما به کرسی های بحث آزاد فقهی در حوزه ی قم - که مهمترین حوزه هاست - برآورده نشده است... ر قم باید درسهای خارج استدلالی قوی ای مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی و چالشهایی را که بر سر راه حکومت قرار میگیرد و مسائل نو به نو را که هی برای ما دارد پیش می آید، از لحاظ فقهی مشخص کنند، روشن کنند، بحث کنند، بحثهای متین فقهی انجام بگیرد؛ بعد این بحثها می آید دست روشنفکران و نخبگان گوناگون دانشگاهی و غیر دانشگاهی، اینها را به فرآورده های تبدیل میکنند که برای افکار عموم، برای افکار دانشجویان، برای افکار ملت های دیگر قابل استفاده است.» (بیانات معظم له در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1390/06/17)

3. پویایی فقه سیاسی و مخالفت با تحجر

تحجر به معنای اکتفا کردن به ظواهر احکام در فقه سیاسی که امام خمینی (ره) آن را زنده و احیا کرد، جایگاهی ندارد. در حالی که در اندیشه اما خمینی (ره) و مقام معظم رهبری «کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی» مد نظر است تا بتوان به نیازهای جدید جامعه پاسخ درستی ارائه کرد. نکته مهم در اینجا اشاره رهبر انقلاب به «کشش طبیعی» است. واژه طبیعی قیدی است برای محصور کردن اندیشه در قالب حکم خدا و نه محصور کردن حکم خدا در اندیشه انسان، بدین معنا که فقیه در واکنش به مسائل روز اجازه بدعت ندارد ولی می تواند با عنایت به کشش طبیعی احکام الهی واکنشی در خور و مناسب را ارائه دهد.

«معنای تحجر آن است که، کسی که می خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا نماید و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را، در آن جایی که قابل کشش است، درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور - که نیاز لحظه به لحظه است - نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه دهد. این، بلای بزرگی است.» (بیانات معظم له در بیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره) 1390/03/14)

فقه سیاسی ناظر به اندیشه های رایج جهان

بسیاری از مسائل که در جهان اجتماعی امروز با آن روبروایم قبلاً راجع به آن اندیشه ورزی شده است. به ویژه، مسائل مهم علوم انسانی از پیش در مجامع علمی دنیا مورد اندیشه ورزی قرار گرفته است. لذا برای اندیشه ورزی درست نیاز به شناسایی آنها و پاسخی در خور به نیازهای جامعه با توجه احکام خداوند است. برای مثال، بانکداری یکی از مسائلی است که در علوم اقتصادی راجع به آن اندیشه ورزی شده است. لذا برای اندیشه ورزی درست باید فقیه به آنها در حد لازم اشراف داشته باشد. نمونه بارز چنین فقهی علامه مطهری است.

«در زمینه های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد؛ هم برای نظام اسلامی، هم در سطح کشور، هم در سطح جهان. تبیین معرفت شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی ای که پایه های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل میدهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم اخلاقی و معنوی، غیره، غیره، همه ی اینها باید دقیق، علمی، قانع کننده و ناظر به اندیشه های رائج جهان آماده و فراهم شود؛ این کار حوزه هاست. با اجتهاد، این کار عملی است.» (بیانات معظم له در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم 1389/07/29)

5. ولایت فقیه

دو نوع نگاه به ولایت فقیه وجود داشت گروهی خواهان تشریفاتی بودن آن بودند و هستند و گروهی آن را در حد قوه مجریه تنزل می دهند و این در حالیست که در فقه سیاسی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری نقش «مهندسی نظام» «جلوگیری نظام از انحراف» را به عهده دارد. به عبارتی، ولی فقیه رهبری کل سیستم را به عهده دارد که تمامی قوا جزئی از آن اند.

«ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسی ترین و محوری ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است. بنابراین ولایت فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احیاناً نصیحت کننده است ... نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد؛ چون کشور مسؤولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد و همه باید

بر اساس مسؤولیت خود کارهایشان را انجام دهند و پاسخگوی مسؤولیتهای خود باشند. نقش ولایت فقیه این است که در این مجموعه ی پیچیده و در هم تنیدهی تلاشهای گوناگون نباید حرکت نظام، انحراف از هدفها و ارزشها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده بانی حرکت کلی نظام به سمت هدفهای آرمانی و عالی اش، مهمترین و اساسی ترین نقش ولایت فقیه است. امام بزرگوار این نقش را از متن فقه سیاسی اسلام و از متن دین فهمید و استنباط کرد؛» (بیانات معظم له در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) 1383/03/14)

6. حوزه علمیه مستقل و همکار دولت

ایشان به استقلال حوزه علمیه معتقدند اما گوشه نشینی و فرار از رفع نیازهای نظام سیاسی را تقوا و خویشتن داری نمی دانند، بلکه آن را اگر از سر عمد باشد و نه غفلت کار ناپسندی می دانند. «امروز اگر روحانیت در قبال حکومت، بی اعتنا و بی مبالا باشد، هم خودش ضایع خواهد شد و هم حکومت اسلامی تضعیف می شود... شاید افرادی هستند که خیال می کنند این نشانه زهد و علم آنان است که از کار کنار بکشند و کاری با حکومت نداشته باشند. مگر چنین چیزی امکان دارد؟! البته چون می خواهیم نسبت به مسائل، حُسن ظن داشته باشیم، می گوییم این، نشانه بی خبری و غفلت آنان است...

امروز، فرض چهارمی هم وجود دارد و آن عبارت است از حوزه علمیه مستقل از حکومت که همکار حکومت است. کار خود را در مجموعه عظیمی که امروز بر دوش همه است، انجام می دهد. وابسته به دولت نیست؛ اما به دولت کمک و از آن پشتیبانی می کند. به آن خدمت می دهد، آن را نصیحت و راهنمایی می کند و مقررات اسلامی را به آن می شناساند. امروز دستگاه قضایی در زمینه فقهی، نیازمند حوزه های علمیه است و دستگاه های اجرایی و قانونگذاری، بیشتر احتیاج دارند. دانشگاهها، نیروی نظامی، کارخانه ها و تمام اقشار ملت، نیازمند حوزه های علمیه اند. همچنین، این نظام، در رأس خود کسی را می خواهد که پرورده این حوزه ها باشد. این همکاری و همگامی، باید به شکل صحیح آن باشد.» (بیانات معظم له در دیدار جمعی از روحانیون 1374/09/16)

7. فقه به عنوان امر متکامل نه کامل

محیط اجتماعی و مسائل آن پویا است به همین دلیل نمی توان با دانش صد سال پیش به تمام مسائل جدید پاسخی درخور داد. این مساله خود را در علوم انسانی و فقه به خوبی نشان می دهد. امروز بحث از بانک و مسائل مرتبط با آن هست در حالیکه در عهد شیخ مفید چنین مساله مطرح نبود. لذا باید مسائل جدید در دستور کار فقه و فقاہت امروز قرار گیرند.

از این جهت، «عدم تحوّل، یعنی عدم پرداختن فقه به خود مسأله ی فقاہت. فقاہت، یک شیوه و روش برای استنباط آن چیزی است که ما اسمش را فقه می گذاریم... فقاہت یعنی شیوه ی استنباط. خود این هم به پیشرفت احتیاج دارد. این که چیز کاملی نیست؛ بلکه متکامل است. نمی شود ادعا کرد که ما امروز دیگر به اوج قله ی فقاہت رسیده ایم و این شیوه، دیگر بهتر از این نخواهد شد. نه؛ از کجا معلوم است؟ «شیخ طوسی» - ملای به آن عظمت - فقاہت داشت. فتاوای ایشان را در یک مسأله ی فقهی ببینید! امروز، کدام مجتهد حاضر است آن گونه بحث کند؟ آن فتاوا، ساده و سطحی است. مجتهد امروز، هرگز راضی نمی شود آن طور کار کند و استنباط نماید.» (بیانات معظم له در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی 1374/09/13)

8. گستره فقه سیاسی

در نگاه به فقه اسلامی می توان آن را به دو دسته کلی تقسیم کرد گروهی که آن را محدود به برخی مسائلی مانند طهارت و نجاسات و عبادات می دانند و حل آنکه از نظر گروه دیگر فقه اسلامی «مشمول بر جوانبی است که منطبق بر همه ی جوانب زندگی انسان» است.

« فقه اسلامی، فقط طهارت و نجاسات و عبادات که نیست؛ فقه اسلامی مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه ی جوانب زندگی انسان است؛ فردی، اجتماعی، سیاسی، عبادی، نظامی و اقتصادی؛ فقه الله الاکبر این است. آن چیزی که زندگی انسان را اداره می کند - یعنی ذهن و مغز و دل و جان و آداب زندگی و ارتباطات اجتماعی و ارتباطات سیاسی و وضع معیشتی و ارتباطات خارجی - فقه است.» (بیانات معظم له در دیدار جمعی از فضلاء حوزه ی علمیه ی قم 1370/11/30)

9. عمق بخشیدن و گسترش ابواب فقه سیاسی

به نظر مقام معظم رهبری، بسیاری از کتب های فقهی دارای وسعت و عمق لازم نیستند. برای مثال صاحب «حقائق» و بسیاری از فقهای مانند آن خیلی به بحث جهاد نپرداخته است و حتی برخی مثل «مرحوم نراقی» هم بحث نکرده اند. نکته جالب توجه

اینست که تعداد کتابی که در زمینه مسائلی مثل طهارت نوشته شده است بیش از کتابهایی است در مورد جهاد و قضا و امثال آن است.

لذا، «ما باید به فقه عمق ببخشیم. از سطحی‌نگری در فقه بایستی پرهیز بشود. امروز فقه ما باید از فقه زمان شیخ و شاگردان شیخ و شاگردان شاگردان شیخ - که بزرگان دوره‌ی ماقبل ما هستند - عمیقتر باشد. در مسائل، ما به‌هیچ‌وجه نباید سطحی فکر کنیم. باید به فقه پیچیدگی و عمق ببخشیم. این، یک بعد از ابعاد پیشرفت فقاقت است.

بعد دیگر، سعه و فراگیری مسائل زندگی است؛ یعنی ما باید به بعضی از ابواب - آن هم ابواب دارای اهمیت فردی، نه اهمیت اجتماعی - اکتفا نکنیم؛ مثلاً ابواب طهارت. شما الان نگاه کنید ببینید، تعداد کتبی که در باب طهارت نوشته شده، چه قدر است؛ تعداد کتبی که در باب جهاد، یا در باب قضا، یا در باب حدود و دیات، یا در باب مسائل اقتصادی اسلام نوشته شده، چه قدر است. خواهید دید آن اولی بیش از این دومی است؛ ... ما باید به فقه وسعت بدهیم» (بیانات معظم له در آغاز درس خارج فقه 1370/06/31)

10. فقه سیاسی به معنای نفی جدایی دین از سیاست

فقه سیاسی به معنای همراهی و ملازمت دیانت و سیاست است و نه جدایی دین از سیاست. «مردم را با احکام دین آشنا کنید و دین هم از سیاست جدا نیست. یکی از احکام دین، احکام اداره‌ی امور کشور و احکام سلطانیه است. در فقه، بابی است که ابواب احکام سلطانیه است. پس، احکام سلطانیه هم از دین است. کسانی که اینها را از هم جدا می‌کنند، دشمن دین و غارتگر میدان سیاستند» (بیانات معظم له در دیدار جمعی از روحانیون حوزه‌های علمیه‌ی اهل سنت 1368/10/05)

جمع بندی

هدف این مقاله بررسی و واکاوی اندیشه‌های رهبر انقلاب اسلامی در مورد فقه سیاسی بود. در این متن سابقه فقه سیاسی و استدلالی از منظر ایشان بررسی شد و نتیجه شد که به لحاظ تاریخی فقه سیاسی ریشه دارتر از فقه استدلالی است. در مجموع، به 10 شاخص از منظومه فکری معظم له در زمینه فقه سیاسی اشاره شد که عبارتند از نظام سازی سیاسی به مثابه امری جاری و نه دفعی، فرایند تولید نظریه در فقه سیاسی، پویایی فقه سیاسی و مخالفت با تحجر، فقه سیاسی ناظر به اندیشه‌های رایج جهان، ولایت فقیه، حوزه علمیه مستقل و همکار دولت، فقهیه عنوان امر متکامل نه‌کامل، گستره فقه سیاسی، عمق بخشیدن و گسترش ابواب فقه سیاسی، فقه سیاسی به معنای نفی جدایی دین از سیاست می باشد.

منابع

بیانات معظم له در دیدار جمعی از روحانیون حوزه‌های علمیه‌ی اهل سنت 1368/10/05

بیانات معظم له در آغاز درس خارج فقه 1370/06/31

بیانات معظم له در دیدار جمعی از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم 1370/11/30

بیانات معظم له در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی 1374/09/13

بیانات معظم له در دیدار جمعی از روحانیون 1374/09/16

بیانات معظم له در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) 1383/03/14

بیانات معظم له در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم 1389/07/29

بیانات معظم له در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره) 1390/03/14

بیانات معظم له در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1390/06/17

منبع: بصیرت